

نگاهی به کتاب «بربریت واقعا موجود» ویراسته لئو پانیچ

هر خشونت‌ی پیامد مستقیم ساختار است



می‌داند که بعدها منجر به ادغام در زندگی حاشیه‌ای جهان توسعه‌یابنده سرمایه‌داری شد. در نظر نویسندگان، تمام این مراحل از طریق نژادپرستی وابسته و همراه با آن و با توجیه صدور تمدن سفیدپوستان اروپایی به کار افتاد. به‌این‌ترتیب، خشونت با روند انباشت ابتدایی سرمایه، با آنچه در مرکز و آنچه در پیرامون جریان داشت، آمیخته بود. به‌علاوه خشونت ارتباط داشت با ایجاد دولت سرمایه‌داری نوین و نظام بین‌دولتی که در بیشتر کشورهای اروپایی تا نیمه دوم قرن بیستم هنوز کامل نشده بود و به گونه مناقشه‌انگیزی تا قرن بیست‌ویکم در بالکان ادامه یافت. همچنین در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین حصر و غارت مناطق استراتژیک به‌جامانده از منابع طبیعی ادامه یافت که نشان‌دهنده مشکل اصلی انباشت اولیه سرمایه بود. انباشتی که هیچ‌گاه در قالب «اولیه» باقی نمی‌ماند. ازآنجاکه در مرحله انباشت اولیه هنوز تفکیک کارکردی سرمایه‌داری صورت نگرفته، زور ماورای اقتصادی منجر به خلق نوعی سلطه سرمایه‌دارانه می‌شود. این زور ماورای اقتصادی با دخالت مستقیم دولت به شکل‌های مختلف فرایند انباشت اولیه سرمایه را محقق می‌کند. با این‌همه، چرخه انباشت اولیه در کنار انباشت عادی همواره تکرار می‌شود. از این‌رو، روشن می‌شود که چرا همراه با رشد موفقیت‌آمیز انکشاف‌های جهانی، محدودیت‌های سرمایه‌داری نیز مدام بیشتر شد و در نتیجه ابعاد خشونت‌باری به خود گرفت. اما ادامه سلطه سرمایه‌داری در تمامیت جهان پیرامونی نیاز به نظامی‌گری را پیش می‌آورد و در نتیجه ساکنان جهان پیرامون در ناآرامی دائمی به سر می‌برند. سمیر امین، اقتصاددان مصری– فرانسوی، در مقاله آخر نشان می‌دهد که چگونه این وضع هر نوع دموکراسی اصیل با پیشرفت اجتماعی را ناممکن می‌کند. چراکه انباشت در مقیاس جهانی که با منطق منحصربه‌فرد سود پیش می‌رود به این معناست: کاهش منابع پایان‌پذیر (به‌خصوص نفت، تخریب جبران‌ناپذیر تنوع زیست‌بوم و انهدام شتابان منابع طبیعی برای بازتولید زندگی در کره زمین. نتیجه این انهدام همچنین عبارت است از دستیابی نابرابر فزاینده به سودهایی که سرمایه‌داری جهانی فراهم می‌آورد. از این رو در نظر امین، سرمایه‌داری جهانی شده معاصر دیگر نمی‌تواند فضایی کافی برای جست‌وجوی راه‌های بشر آفراند کند.

 	 	 	 	 	
ویراستاران کتاب در مقاله «تاملاتی درباره خشونت امروز» به سرآغازهای سرمایه‌داری و آغاز تابش خشونت اولیه در قرون پانزدهم و هجدهم می‌پردازند و نشان می‌دهند چگونه همه‌چیز با خشونت‌ی اولیه آغاز شد؛ خلع‌ید از دهقانان انهدام صنعتگران خرد و شرایط هولناک کار و زندگی‌ای که کارگران اولیه در کارخانه‌ها در انگلستان تجربه کردند					
 	 	 	 	 	

کتاب حاضر با چنین نگاهی، نسبت خشونت امروزی دولت‌های سرمایه‌داری را با دولت‌های پیشین توضیح و نشان می‌دهد که به چه شکل زور دولت در بازار برای رفع بحران یا برای نیاز خود به تمرکز سرمایه دخالت می‌کند. کتاب در این پس‌زمینه تاریخی، آشکارترین تفاوت بین سرمایه‌داری امروزی و دوران‌های قبل را در این می‌داند که دولت‌های سرمایه‌داری کنونی دیگر به جنگ علیه یکدیگر نمی‌پردازند و حتی تهدید به جنگ هم نمی‌شوند. نتیجه منطقی برهیز از جنگ متقابل به چه چیز منجر می‌شود؟ این دولت‌ها به جای جنگ رودررو با همدستی یکدیگر تمام مردم جهان را به موضوع رقابت در بازار سرمایه‌داری جهانی تبدیل کرده‌اند. بنابراین بر بی تغییر شرایط زندگی روزمره موجود و هم‌زمان با بی‌ثباتی نظام‌های سیاسی در کشورهای موسوم به جهان سوم، مردم بیشتری به سمت خشونت‌های محلی، از جنایت تا آشوب کشیده می‌شوند. کتاب حاضر قائل به پیوندی درونی میان این مردمان است. نویسندگان بر این باورند که همراه با آغاز موج سوم دموکراسی که از سوی جامعه بین‌الملل به راه افتاد، نقش پلیس به قاتلان خود بدل می‌شوند». در کنار موارد بسیاری که خشونت مردم علیه مردم را بازنمایی می‌کنند، شاید مهیبت‌ترین نمونه در جهان امروز جمهوری دموکراتیک کنگو باشد که می‌تواند ابعاد ماجرا را به‌دقت توضیح

پرسش مهم برای آینده این نیست که «آیا ممکن است دوباره اتفاق بیفتد؟» بلکه این است: «آیا می‌توان آن را متوقف کرد؟»

دیوید استانارد، هولوکاست آمریکایی

گروه اندیشه: با گذشت چند دهه از پایان جنگ‌های جهانی، ذره‌ای از میزان خشونت جاری در جهان کم نشد. از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ شمار کودکانی که در سراسر جهان بر اثر گرسنگی، جنگ و بیماری‌های قابل‌پیشگیری جان داده‌اند، بیش از تمام آدم‌هایی بوده که در طول شش سال جنگ جهانی دوم از بین رفتند. در هر سه تانبه که یک انسان تازه‌به‌دنیاآمده می‌مرد، ۱۲۰ هزار دلار در سطح جهان صرف خرید سلاح‌های نظامی می‌شود. این آمار مربوط به قبل از جنگ‌های سوریه و لیبی است. زنجیره‌ای از فجایع انسانی از لحظه اعلام جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ تاکنون ادامه داشته است: از کشتار در کره و ویتنام تا فلسطین، لبنان، اندونزی، کلمبیا، گواتمالا، السالوادور، نیکاراگوئه، آنگولا، موزامبیک، اریتره، شیلی، اوگاندا، رواندا، سومالی، جمهوری دموکراتیک کنگو، جمهوری آفریقای مرکزی، سودان، بوسنی، چین، ایرلند شمالی، بنگلادش، کشمیر، سریلانکا، عراق و افغانستان؛ افزون بر همه اینها، رواج تجاوز و خشونت علیه زنان، جنگ بر سر مواد مخدر، خشونت پلیس علیه کارگران، معدنچیان، سیاهان و پناه‌جویان، بمب‌گذاری‌های انتحاری و شکنجه در جای‌جای جهان. تعداد کشته‌شدگان در قرن بیستم در حدود ۱۴۰ میلیون نفر برآورد شده است. برای فهم بهتر ابعاد کشتار باید به تغییر جمعیتی نگریست؛ اگر جمعیت زمین اکنون نزدیک به هفت میلیارد نفر است، در دهه ۱۹۶۰ از سه میلیارد نفر فراتر نبود. اکنون در جهان حدود ۱٫۳ تریلیون دلار برای خرید اسلحه هزینه می‌شود که از کل هزینه‌های جنگ سرد هم بیشتر است. پیامد اولیه این اعداد و آمار، بومی‌شدن کشتار در بسیاری از نقاط کشورهای جنوب است. وقتی رزا لوکزامبورگ در سال ۱۹۱۶ عنوان کرد جامعه سرمایه‌داری بر سر دوراهی سوسیالیسم یا بربریت و توحش است، پرسیده بود اگر بنا به انتخاب توحش باشد، این بازگشت به بربریت در مرحله فعلی تمدن اروپایی چه معنایی دارد؟ شواهد معنادار این بازگشت را اکنون با توجه به گستره و شدت خشونت، حتی در نبود جنگی جهانی و پیش از دو دهه پس از پایان سوسیالیسم واقعا موجود به‌وضوح می‌توان دید: به‌سختی می‌توان انکار کرد که ما در عصر دیگری از بربریت به‌سر می‌بریم؛ چهل‌وپنجمین مجلد دفترهای سوسیالیستی که در سال ۲۰۰۹ منتشر شد، تلاشی است در فهم این واقعیت. کتاب حاضر ترسیم چشم‌انداز روشنی از انواع، گستره و درجه‌های مختلف خشونت جدی در جهان امروز است. شکل‌های معاصر خشونت، آنچنان متنوع و پیچیده و آنچنان در لابه‌های مختلف ظاهر می‌شوند و در زمینه‌های گسترده بروز می‌کنند که شناخت پیوند خاص آن با سرمایه‌داری و امپریالیسم نیاز به درکی تازه‌تر دارد. کتاب حاضر می‌کوشد با بررسی مواردی چون نظامی‌گری آمریکایی و قدرت سیاسی‌اش، خشونت در فرهنگ دیداری، نژادی، زندان‌ها و جنگ، خرافی و سکوت دولت‌ها، قربانیان دیدگاه‌های جنسی و کلاش‌دکی خشونت، امکان فهم راه‌های و مقدمات چنین درکی را فراهم کند. همچنین مشخص به خشونت موجود در آمریکا، هند، اندونزی، نیجریه و بخشی از خاورمیانه در مقالات مستقلی می‌پردازد. این کتاب با بررسی خشونت‌های جاری قرن معاصر مدعی است امپریالیسم جهانی در همه آنها نقش مستقیم و غیرمستقیم داشته است.

دولت، سرمایه‌داری و خشونت فراگیر

ویراستار مجلد سال ۲۰۰۹ دفترهای سوسیالیستی، لئو پانیچ و کالین لیز هستند. فارغ از اینکه تحلیل‌های نویسندگان کتاب با توجه به اتفاقات چندسال اخیر، تازگی خود را در کوران تحلیل‌های بدیع و آمارهای دقیق از دست داده‌اند، مقاله اول را می‌توان پیشگفتار کلی کتاب دانست و میان‌تیرهای آن را پیش‌زمینه مقالات دیگر کتاب. به این اعتبار حتی می‌توان مقالات دیگر را به طور غیرمستقیم در نسبت با مقاله اول خواند؛ اگرچه برخی از آنها به قوت اولی نیستند. سیر کلی محتوای کتاب در مقاله اول تلاش برای فهم این موضوع است که چرا امروز خشونت این‌همه گسترده است و چرا باوجود گستردگی راه و روش‌هایی که به موجب آن خشونت پذیرفتنی می‌شود و حتی اشاعه می‌یابد، باز نادرست تلقی می‌شود؛ به عبارت دیگر ایدئولوژی و واقعیت خشونت چیست؟ ازاین‌رو، آنچه در این کتاب آمده، ارائه طرحی کلی در ترسیم این چالش است. این کار از دو راه صورت می‌گیرد: نخست از طریق نشان‌دادن خشونت که در جریان توسعه سرمایه‌داری مشارکت دارد و همچنین از راه ضدخشونتی که در برابر سرمایه‌داری و امپریالیسم مقاومت می‌کند. در این میان است که خشونت میان مردم نیز که این‌همه تحت نظام سرمایه‌داری گسترده شده، بررسی می‌شود؛ در کنار نقش سیاسی – نظامی ایالات متحده آمریکا که خود را پلیس جهان می‌خواند.

ویراستاران کتاب در مقاله «تاملاتی درباره خشونت امروز» به سراغ‌از‌های سرمایه‌داری و آغاز انباشت اولیه در قرون پانزدهم و هجدهم می‌پردازند و نشان می‌دهند چگونه همه‌چیز با خشونت‌ی اولیه آغاز شد؛ خلع‌ید از دهقانان، انهدام صنعتگران خرد و شرایط هولناک کار و زندگی‌ای که کارگران اولیه در کارخانه‌ها در انگلستان تجربه کردند. در نظر آنها، بعدها این فرایند اولیه، به شکل‌ها و اندازه‌های مختلف خشونت‌آمیزش در جاهای دیگر نیز از طریق نظام جهانی سرمایه‌داری تکرار شد. کتاب حاضر، در تبیین موقعیت تاریخی وضع موجود، این رفت‌وبرگشت را در موارد دیگر نیز انجام می‌دهد؛ مثلا توسعه استعماری و ایجاد سکونتگاه‌های اروپایی در آن‌سوی دریاها را در گرو خلع‌ید گسترده‌ای از بومیان آمریکا، آسیا، آفریقا و استرالیا

روزنامه شرق

اندیشه

سه‌شنبه • ۱۶ شهریور ۱۳۹۵ • سال چهاردهم • شماره ۲۶۷۵ • ۹

ریویو

چه نهادی مناسب است؟

در نیمه دوم قرن بیستم باوری میان نظریه‌پردازان و سیاست‌گذاران شکل گرفت مبتنی‌بر آنکه مردم-سالاری به‌عنوان یکی از ارزشمندترین دستاوردهای اجتماعی بشر معاصر می‌تواند چاره تمامی مشکلات عقب‌افتاده‌ترین جوامع جهان باشد، اقتصادهای مبتنی‌بر رانت را اصلاح کند، خشونت را مهار کند و توسعه و رفاه را به ارمغان بیاورد، اما مروری بر تلاش‌ها در جهت دموکراتیزاسیون حکایت از آن دارد که در اغلب موارد نتیجه امر به‌جای حصول آزادی و ایجاد جوامع دسترسی بازشکل‌گیری چرخه‌های تأسف‌باری از بی‌ثباتی، عقب‌گرد، خشونت و حتی جنگ‌های داخلی بوده است. علت چیست؟ آیا دموکراسی راه‌حل مناسبی برای این کشورها نیست؟ یا مشکل آن است که در پیگیری آن از نکات ظریف و مهمی غفلت می‌شود؟ آیا جای‌گذاری عینی نهادهای جوامع غربی در دیگر کشورها امری ممکن یا حتی مطلوب است؟ برای آنکه کشورهای مبتلا به استبداد سیاسی و دسترسی محدود، به سمت جوامعی باز گذار کنند و درعین‌حال دچار خشونت نشده و از مواهب آزادی در قالب رفاه و توسعه اقتصادی بیشتر بهره‌مند شوند، چه شروطی باید برآورده شود و چه مسیر ی‌پیش پای آسان قرار دارد؟ داکلاس نورث و همکارانش در کتاب «در سایه خشونت»، تلاش می‌کنند به این پرسش‌های سیاسی و اقتصادی پاسخ دهند. کتاب حاضر چارچوب نظری «خشونت» و نظام‌های اجتماعی» داکلاس نورث را برای ۹ کشور درحال‌توسعه به



در سایه خشونت

داگلاس نورث و ...

ترجمه: محسن میردامادی،

محمدحسین نعیمی‌پور

نوبت چاپ، ۱۳۹۵

قیمت : ۲۸۵۰۰ تومان

کار می‌گیرد؛ بنگلادش، کنگو، زامبیا، موزامبیک، فلیپین، هند، مکزیک، شیلی و کره جنوبی. کتاب می‌کوشد از خلال این نمونه‌ها نشان دهد که چگونه کنترل سیاسی امتیازات اقتصادی برای محدودکردن خشونت و همکاری ائتلاف‌هایی از سازمان‌های قدرتمند مورد استفاده قرار می‌گیرد. این نمونه‌های مطالعاتی به‌جای آنکه سیاست‌مداران و فرادستان را صرفا به‌عنوان افرادی فاسد سرزنش کنند، می‌کوشند نشان دهند چرا در جوامعی که نقش سازمان‌های اقتصادی‌دست‌کاری می‌شود تا ثبات و موازنه سیاسی ایجاد کنند، دستیابی به توسعه دشوار است. از پیش‌فرض‌های اصلی کتاب این است که موفقیت در اقتصاد همانند توسعه سیاسی در درجه اول وابسته به بهبود نهادهاست. در نظر نویسندگان

کتاب، این نکته در ۲۰ سال گذشته به اجماعی میان اقتصاددانان تبدیل شده است: در سال‌هایی که جهان شاهد نمونه‌های بسیاری از ناکامی‌ها اقتصادی‌دست‌کاری می‌شود تا ثبات و موازنه سیاسی ایجاد کنند، دستیابی به توسعه دشوار است. از پیش‌فرض‌های اصلی کتاب این است که موفقیت در اقتصاد همانند توسعه سیاسی در درجه اول وابسته به بهبود نهادهاست. در نظر نویسندگان این است که برای رفع این بحران، منظور نهادهای مناسب است؟ آن هم در شرایطی که کتاب تأکید دارد کشورهای با درآمد متوسط و پایین‌آمدگی بهره‌گیری از اغلب نهادهای اروپای غربی یا آمریکای شمالی را ندارند.

